



حماسه پیکارگران شهید

در

سپیده دم اعدام

فهرست مصیبتنامه ها

پیکارگران شهید رفقا :

- | | |
|----|------------------------------|
| ۴ | ۱ - محسن فاضل |
| ۱۰ | ۲ - کریم |
| ۱۶ | ۳ - یعقوب کسب پرست |
| ۲۰ | ۴ - رحیم |
| ۲۷ | ۵ - محمد رضا بشروهی |
| ۳۰ | ۶ - بهروز غلامی |
| ۳۳ | ۷ - نعمت الله مهاجرین |
| ۴۱ | ۸ - شهریار رسولی |
| ۴۴ | ۹ - کامران دانشخواه |
| ۴۶ | ۱۰ - داود ثروتیان |
| ۴۷ | ۱۱ - خیرالله حسینی |
| ۴۹ | ۱۲ - حسن منصوری |
| ۵۲ | (بیاد رفیق مالک) |
| ۵۴ | ۱۳ - ناصر روز پیکر |
| ۵۹ | (شعری سروده رفیق روز پیکر) |
-
-

چنین بود پیکارشان

شور و حماسه و اطمینان به آینده درخشان طبقه کارگر که در این وصیتنامه‌ها ، در این پیامهای واپسین لحظات زندگی بچشم میخورد ، فراتر از آنست که نیازی به توضیح داشته باشد . این سطور نه در شرایطی آرام ، نه در پایان یک بحث سیاسی و نه بعنوان وظیفه تشکیلاتی ، بلکه در فاصله کوتاه صدور حکم اعدام و اجرای آن نوشته شده است . آنچه آرمانخواهی پرشور نهفته در این سخنان را هر چه بیشتر متمایز و برجسته میسازد عدم اتکاء این مبارزه ، دفاع و مقاومت ، بهیچ نیروی ماوراءالطبیعه و فقدان هرگونه چشمداشت و پاداش فردی است تنها چشم انداز ، پیروزی اجتناب ناپذیر طبقه کارگر و سوسیالیسم است .

رفقای ما در آخرین دقایق زندگی خویش نیز ، در آن هنگام که رودرروی بورژوازی حاکم از آرمانهای سرخ خود با نثار خون سرخشان دفاع جانانه مینمودند ، و آنگاه که خائنینی در مقابل آنان با خودفروشی زندگی ننگینشان را معامله میکردند و این معامله را تبلیغ مینمودند ، از مبارزه ایدئولوژیک با بورژوازی در لباس مارکسیسم دست برنداشتند چرا که با گوشت و خون خود لمس نموده بودند که " مبارزه با بورژوازی و امپریالیسم جدا از مبارزه با رویزیونیسم نیست " . اینکه مبارزه ایدئولوژیک منعکس شده در این سطور ، ناکافی و محدود است اینکه امروزه نقد امپورتونیسم مسلط بر سازمان پیکارشان داده است که این سازمان نمیتوانسته است سنگر مستحکم پرولتاریای

ایران باشد و اینکه امروزه ریشه انحرافات که رفقای ما در وصیت نامه‌های خود بدان اشاره نمودند هر چه بیشتر آشکار گشته است هرگز از اهمیت و ارزش این آخرین سخنان رفقای ما نمی‌کاهد . بلکه امروز هنگامی که نتایج و عوارض اپورتونیزم را هر چه بیشتر و بیشتر لمس مینمائیم ، آوای فریادهای خونین رفقایمان بیشتر و بیشتر در گوشمان طنین می‌اندازد که باید مبارزه با بورژوازی را قاطعانه ادامه دهیم . باید دره عمیق میان کار و سرمایه را با خون بپرکنیم و باید با نقد و جمع‌بندی گذشته سنگر استوار پرولتاریا را بنا سازیم . سنگری که — فراز آن برچم کار که از خون رفقایمان رنگین است باهتزار درآید این است وظیفه‌ایکه امروز بر دوش ما قرار گرفته است و خواندن این سطور پرشور و لمس این ایمان محکم که در هر خط آن نهفته است ، تنها باید سوگند مقدس کمونیستی ما را برای مبارزه تا پای جان برای نابودی بورژوازی و برقراری سوسیالیسم محکم و محکمتر سازد . با امید به آینده به پیش !

باید خاطر نشان کنیم که متن این وصیتنامه‌ها که در آذر — ماه سال ۶۰ در درون سازمان منتشر شده بود ، — — — — — هیچگونه تغییری (با استثنای یکی دو مورد امنیتی و چند اصلاح جزئی نگارشی) منتشر میشود .

پیکارگر شهید محسن فاضل

تاریخ شهادت ۳۱ / ۳ / ۶۰

با درود به تمامی شهدای راه آزادی و حاکمیت طبقه
کارگر .

با درود به تمام رزمندگان راه آزادی حاکمیت طبقه کارگر .

" بالاخره بعد از ۱۳۹ روز در زندان مجرد بمشغول
و محروم از همه چیز ، در چنین جو سیاسی ، با يك دادگاه
سریع ، محکوم به اعدام شدم . اتهاماتی بر علیه من عنوان
شد که هیچ دلیلی بر آن موجود نبود و نمیتوانست باشد
و صرفاً بر اساس حدسیات آنها استوار بود و من از آنها بری
هستم ولی اینها به این مسائل کاری ندارند . مساله اساسی
اینست که من انقلابی هستم و مارکسیست ؛ و مارکسیست در
قاموس آنها مرتد است و محکوم به اعدام . فقط يك راه برای
ادامه زندگی من هست و آنهم راه زندگی ای خفت بار ، یعنی
خیانت به آرمان زحمتکشان و پرولتاریا . مهم نیست ، در طول
۱۲ سال گذشته در هزاران مورد با خطر مرگ مواجه شدم

و از آنها جستم ولی بالاخره رژیم جمهوری اسلامی افتخار آنها بدست آورد که من را از بین ببرد . مهم طول زندگی و چند سال بیشتر و یا کمتر نیست . مهم اینست که چه محتوائی در این زندگی نهفته بوده است و من خوشبختم و آسوده‌ام که زندگی تا حدی شمر بخش داشته‌ام .

انفعال دو سال قبل ، لکه سیاهی در زندگی من است و کم‌کاریها و اهمال‌های زیادی که میتوانم بیاد بیاورم و لسی امیدوارم پایبندی من به آرمان پرولتاریا و وفاداری من تا آخرین لحظه به بیمانهائی که با رفقا و جنبش کمونیستی و شهدا داشته‌ام ، و خون من ، جبران آن باشد . در تمام این دوره در زندان ، شعار من مقاومت شرایط زندان و تمام کینه‌هایی که اینها می‌توانستند بر سر بپزند بود و مقاومت کردم . من برای شما صدها بیت شعر دارم . شعر من شعر مقاومت و شعر وفاداری و مبارزه است ، هر چند که نتوانستم آنها بدست شما برسانم . من خوشحالم که لیاقت اعتمادی را که رفقا به من ابراز داشتند ، نشان دادم . کینه‌ای که دشمن بر سر من و رفقای دیگر میریزد ، نشان دهنده درستی و صحت راه ما و ایدئولوژی ماست ، چون من و آنها برای شما بایستی نپسروی

فزونتری در راه مبارزه و انقلاب ایجاد کند . من قطره‌ای بودم از
رود برخورد و جوشان پیشرونده کمونیستی ، و من افتخارم این
است که تا به آخر ، همراه و قطره‌ای از این رود بودم .

رفقا ! تصور عزم و کار بلشویک گونه شما در زندان و در پای
چوبه دار به من نیرو و امید می‌دهد . ستاره صبح بالا خصره
خواهد دمید . راه سوسیالیسم ، اگر احتیاج به هزاران هزار
شهید از ما کمونیستها داشته باشد ، تمام رفقای ما یکسر آماده
این فداکاری برای این آینده بوده و هستند . ما برای آینده
— ای پرشکوه برای زحمتکشان و پرولتاریا مبارزه می‌کردیم و نه
برای مرگ باشکوه ، ولی هرگاه مرگ و رنج های مختلف بهر صورت
برای طی این مسیر ضروری باشد ، کمترین چیز در نزد ما همین
جان است .

رفقا ، برای توده‌ها راجع به من و دیگر شهدا و وفاداری
آنها به توده‌ها ، خواهند گفت توده‌های فلسطینی که "سامی"
را از نزدیک می‌شناسند و در جبهه‌های مختلف و کارهای
مختلف با او بوده‌اند ، او را می‌شناسند ، به آنها بگوئید که
سامی در واقع در راه‌رهایی و آزادی آنها و تمام توده‌های محروم
منطقه از چنگال سرمایه‌داری و امپریالیسم جنگید و شهید شد .

رفقا ! درس بسیار مهمی که در زندان گرفتم از تحلیل گذشته
زندگیم بوده ، رفقا يك آن برای درك مارکسیسم لنینیسم انقلابی
در شرایط ایران و سازمان و تطبیق آنرا نباید هدر داد . در
مورد انتقادهای و گرایشات بورژوائی در درون خود بایستی
قاطعانه و کمونیستی عمل کرد . این آفت انقلاب ما و سازمان
ماست . رفقا ! افشای خائنین رویونیست بهر رنگ و شکل
ضامن رشد شکوفائی انقلاب است و هیچ ملاحظه‌های نبایستی
در این راه کرد . من عمری را در واقع تلف کردم که بین گرایش
به انقلاب و گرایش به پاسیفیسم متزلزل بودم که در حد خسود
خسره‌هایی به کار و خودم زدم .

رفقا ! راجع به تضاد امپریالیست‌ها در تقسیم جهان و
انعکاس و تاثیر آن در تحولات منطقه و جنگ موجود (ایران و
عراق) بایستی مطالعه جدی نمود . رفقا ! من زندگی
را دوست داشتم . دوست داشتم برای اینکه مبارزه کنم
و زندان را دوست داشتم و ارج می‌گذارم چون به مسائل
بسیار مهمی رسیدم و توانستم شور مبارزه انقلابی را در زندان
بپادارم . رفقا ! رنج زندان ، بیش از این حقیر است که ما
کونیست‌ها و انقلابیون را از راهمان باز دارد . من مطمئن

هستم که من و دیگر شهیدان تا ابد در وجود شما و دیگر
انقلابیون زنده هستیم و در جشن‌تان و مسکن و آزادی زحمتکش^{ان}
بهمراه شما و آنها پای خواهیم گفت .

من ثروتی ندارم که راجع به آن وصیت کنم هر آنچه در اینجا
همراه من است و هر چه به اسم من بوده و یا پدرم میخواست
بمن بدهد بایستی در همان راهی که زندگیم را در آن گذاشته
— ام صرف شود . آن قطعه زمینی که پدرم میخواست پولش را
به من بدهد نیز شامل همین قضیه و اهر است . در مرگ من
کسی نبایستی سیاه بپوشد و سوگواری کند . برای من ایمن
مصیبت نیست که شهید شدم و برای شما هم نبایستی باشسد
پدر و مادر و عزیزانم را دوست داشتم و برایشان از این غمی
که نصیبشان میشود متاسف ولی من وابسته به جریان طبقاتی
دیگری بودم نه خانواده‌ام ، دست همه را بگری میفشارم .
رفقا ! خون من و دیگر شهیدان ، برای شما فقط يك اهر
را فریاد میزند : " به پیش ! به پیش ! "

— مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر سرمایه داری ، مرگ

بر ارتجاع !

— زنده باد مارکسیسم — لنینیسیم تنها ایدئولوژی

طبقه کارگر !

— زنده باد جنبش کمونیستی !

— زنده باد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه

کارگر !

— زنده باد پیکار توده ها !

محسن فاخیل ۳۱ / ۳ / ۶۰

پیکارگر شهید کریم جباری

تاریخ شهادت ۶۰/۵/۱۹

ازرقای تشکیلات تبریز • دانشجوی سال آخر پزشکی

تبریز •

به سازمان ، به طبقه کارگر و خلق های قهرمان ایران :
وصیت نامه ام را با چند بیت از سرود سازمانی شروع میکنم
(یاد یاران)

"گشته بریا اکنون برچم — دارد از پتک کارگر نشان
یاد یاران کنیم زنده در جان توده ها را دهیم سازمان
یک صدف و یک صدا برزگر با کارگر تکیه بر بازوان"

حدود شش ماه و بیست روز از بازداشتم میگذرد • ایسن

اولین نامه ای است که می نویسم • در این مدت هر چند کوتاه
سیر حاد مبارزه طبقاتی در کشورمان به شدیدترین وجهی راه
خود را می پیماید • جنبش اعتلایابنده توده ها ، نظام حاکم
را مورد هدف قرار داده است • گرایشات و انحرافات خطر—

خطرناکی جنبش توده‌ها را مورد محاصره قرار داده است و بیم آن می‌رود که اگر با این انحرافات برخورد اصولی و بی‌گیرانه نشود به انحرافات جنبش توده‌ای منجر می‌شود . مسئله‌ای که در شرایط فعلی نقش عمده دارد و قابل برخورد شدید است و در انقلاب جای دارد ، مجاهدین خلق است . مجاهدین خلق بعنوان يك نیروی بورژوا دمکرات در اتحاد سیاست و برنامه و تاکتیک دارای اشتباهات فراوان و انحرافات عمیقی هستند . همسوئی و اتحاد عمل مشخص آنها با جناح بنی‌صدر (لیبرالها) و تشکیل شورای ملی مقاومت / مخدوش کردن آشکار صفا انقلاب و ضد انقلاب است . ترور مسلحانه بعنوان يك مشی جدا از توده و ماجراجویانه لطمات فراوانی بر جنبش انقلابی و کمونیستی وارد کرده و مسائل و مشکلات بیشتری را به سازمانهای انقلابی و کمونیستی تحمیل کرده است در حالیکه (آنها) آمادگی سازمانی عملی لازم را نداشته‌اند بنظر من مشی چریکی بعنوان يك مشی جدا از توده گه‌توان سازماندهی جنبش توده‌ای را ندارد هنوز ورشکست نشده ، بلکه با شدت هر چه تمامتر سخت جانی خود را نشان می‌دهد . به علت کم بها دادن به مبارزه ایدئولوژیک

و عدم برخورد قاطع و مستمر به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک
مجاهدین و افشای مواضع متزلزل و بینابینی آنها و نبود یک
تشکل م. ل قوی و دارای پایگاه توده‌ای و کارگری، ایمن
بورژوازی خواهد بود که آنها را بدنبال خود خواهد کشید.
همانطور که عملاً در واقعیت مبارزه طبقاتی شاهد این (امر)
هستیم. در رابطه با شرایط ترور و خفقان حاکم بر جامعه و
حمله ددمنشانه رژیم ارتجاعی به نیروهای کمونیست و انقلابی
ضرورت برخورد فعال و همه جانبه با این تهاجم و جلوگیری
از ضربات بیشتر به تشکیلات و اتخاذ شیوه و تاکتیک‌های مناسب
بدون اینکه ندره‌ای در رنگ در ایفای وظایف انقلابی و کمونیستی
سازمان جایز باشد از مهمترین وظایف سازمان در برخورد به
مسئله تشکیلات میباشد. بخاطر حاکمیت دو سال و نیم جسو
لیبرالی در سطح جامعه و وجود لیبرالیسم تشکیلاتی و
استقبال و روی آوری فراوان روشنفکران به مارکسیسم - لنینیسم،
در صفوف تشکیلات، عناصر لیبرال و روشنفکر متزلزل وجود دارند
که در شرایط فعلی با توجه به هجوم سبعانه ارتجاع بسط
نیروهای انقلابی و کمونیست (بویژه سازمان) تزلزل
روشنفکرانه آنها تعمیق یافته و در مواردی به خیانت در می‌نخندند.

رهنمود داهیانه لنین رهبر پرولتاریای جهان در مورد این مسئله باید چراغ راه ما در برخورد به این عناصر باشد. در صورت مشاهده چنین وضعی به نسبت و میزان این تزلزل سیاسی - ایدئولوژیک، باید افراد تصفیه شوند و از مسدود کننده‌های تشکیلاتی اخراج صورت گیرد. شرایط فعلی حاکم بر جامعه محک خوبی برای آزمایش و توانمندی ایدئولوژیک رفقای تشکیلات می‌باشد. بنظرم در شرایط فعلی کار سیاسی - انقلابی عمده است و باید از هرگونه حرکت چپروانه و زودرس و روی دیگر آن، راستروانه و عقب ماندن اجتناب نمود، ولی در بعضی مناطق مانند گیلان و مازندران که توده‌ها و زحمتکشان از توهم کمتری نسبت به رژیم برخوردارند، میتوان در تدارک عملی سازماندهی جنبش توده‌های مسلحانه اقدام نمود و به علت رشد ناموزون انقلاب در کشور ما باید با هر منطقه برخورد مشخص نمود. وجود جنبش‌های توده‌ای در مناطق مختلف و سازماندهی آنها نیروهای رژیم را پخش کرده و از متمرکز شدن نیروهای آن برای ضربه زدن به جنبش توده‌ای و سازماندهی انقلابی مملو جلوگیری خواهد کرد. توجه به جنبش طبقه کارگر و دادن رهنمود لازم به (آن) از مسائل کلیدی برای

تعیین تکلیف نهائی با قدرت حاکم میباشد .

بپردازم به مسئله دادگاه خودمان :

دیشب همراه رفقا (هشت رفیق و یک دوست مجاهد) ما را به دادگاه خواستند و دادگاههای یک دقیقه‌ای و قرون وسطائی ، به علت دیروقت بودن و اشتغال بیش از حد بیدادگاهها ، چهار نفر پیش موسوی جلاد رفتند و بعد از چند دقیقه برگشتند . موسوی جلاد به همه آنها محارب گفته بود و در صورت عدم همکاری با آنها ، اعدام را مطرح کرده بود . شب بزرگ‌تری بود ، رفقا مرگ را به بازی گرفتند و با روحیه‌ای شاداب و رزمنده در انتظار بودند . مبارزات توده‌ها و مقاومت آنها در برابر ارتجاع حاکم روحیه تمام رفقا را بالا برده است . کار بجائی رسیده بود که رفقای کم تجربه به رفقای دیگر روحیه میدادند . دیر وقت بود همراه رفقا به بند برمی‌گشتیم در حالیکه چهار نفر دادگاهی شده و ۵ نفر را به فردا موکول کردند . حکم ما از قبل تعیین شده است و ما نیز به عهد خونین خود که همانا مبارزه بی‌امان با ارتجاع حاکم است و جان باختن در راه منافع طبقه کارگر بلشویک‌وار به استقبال مرگ خواهیم رفت و کاروان جنبش انقلابی همچنان پرتوان

و برخوردش به راه خود تا قله پیروزی (جمهوری دمکراتیک
خلق ، سوسیالیسم ، کمونیسم) ادامه خواهد داد .
به مادرم که در بزرگ کردن من دچار زحمات فراوان شده
است درود می فرستم و از او می خواهم که همه فرزندان انقلابی
و کمونیست شهید را فرزندان خود بداند و به تمام فامیل و
آشنایان سلام رساند . و امیدوارم که راه ما را ادامه دهند .

— درود بر سازمان بیکار در راه آزادی طبقه
کارگر !

— مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم !

— زنده باد سوسیالیسم و کمونیسم !

بیکارگر کمونیست کریم ۱۷ / ۵ / ۶۰

پیکارگر شهید یعقوب کسب پرست

تاریخ شهادت ۶۰/۵/۱۹

کاندید عضو سازمان ، عضو کمیته چاپ تبریز .

لحظات مرگ را انتظار میکشم ولی مرگ با این همه هیولاییش در نظرم هیچ میاید ، ولی وقتی به هیولای رویزیونیسم در جنبش می اندیشم به تنم لرزه می افتد . امروز به اینجاست رسیدم که دشمن بزرگ ما همانا رویزیونیسم (خروشچفی یا سه جهانی ۰۰۰) میباشد . سفارشم این است که رفقا سازش نایذیر و بی رحمانه بر علیه رویزیونیسم چه در درون و چه در بیرون سازمان مبارزه نمایند که اخیرا بیانیه ۱۱۰ گرایسش رویزیونیستی را به آشکارترین صورت نشان میدهد . سفارش من این است که خون شهدا را نگذارید مانند " اکثریست " وثیقه رویزیونیسم نمایند ، بلکه خون شهدا را بعنوان سلاح برنده های برای نابودی رویزیونیسم بکار گیرند .

امروز با آنکه سازمانهای مختلف ادعای پیش آهنگ بودن

را دارند ولی واقعیت این است که ما از بیستر مبارزه طبقاتی دور افتادیم . بجای کار سوسیال دمکراتیک ، برعکس آن را انجام میدهم ، یعنی میخواهیم کار دمکراتیک سوسیال بنماییم . این هم عدم درک صحیح ما را از مارکسیسم - لنینیسم نشان میدهد و تاریخ چند سال جنبش هم انحرافی بودن این مسئله را نشان داده است . سفارش من این است که رفقا با مرزبندی دقیق با اکونومیسم ، به مفهوم واقعی ، آگاهی سوسیالیستی و تشکل و حصول وحدت را به درون طبقه ببرند ، چون برای رنجبران جهان يك راه چاره وجود دارد ، آنها آگاهی و سازماندهی پرولتاریاست . رفقا ! این کار ، کار برحصوله و عموماً درازی است و برنامه ریزی میخواهد . سفارش من پسه رفقا این است که بیشتر و بیشتر در این مورد فکر نمایند و همچنین سعی نمایند از نظر دانش ، پرولتاریای آگاه را بالا بکشند .

در زمینه تصفیه و ارتقا اخیرا يك دید و حرکت انحرافی عمل میکرد ، عناصر سازشکار راست ، اصول م . ل را چندان صباحی (مورد) تاخت و تاز خویش قرار داده که سادهترین اثرش نمونه هولناك اخیر بود و از طرف دیگر ، نقض وحدت در

درون • سفارش من به رفقای آگاه و استوار ، روی مبارزه
 ایدئولوژیک جهت زدودن انحراف این رفقا و در صورت عدم
 حصول تصفیه و طرد این عناصر و جریان • سفارش من به رفقای
 آگاه و مسئول این است که در حرکت خویش سنجیده (عمل
 کنند) ••• لازم است کادر سازی را از نظر دوردانند •
 انحراف عظیمی که در جنبش ما بوده همان عدم توجه به
 کادر سازی و برخورد از بالا و بوروکراتیک بود که این
 انحراف هم یکی از انحرافات عمده بورژوازی میباشد • به
 رفقا سفارش من این است که همواره اصول را توأم با عمل انقلابی
 بیاموزند و آموزش دهند • وقت خویش را نه در راه —
 بوروکراتیس ، بلکه در راه حرکت اصولی صرف نمایند که
 در سازمان خط اصولی ، این نمی بود •

کانال اصلی انحراف با آن خائنین می بود • سفارش من
 این است که از مجازات اعضای خائن غفلت نورزید •

من در حق پدر و مادرم ••• با آنکه سعی کرده ام بسدی
 نکم ولی اساساً بعنوان یک مارکسیست — لنینیست در خدمت
 خودم مارکسیست — لنینیستی برخورد نکردم • امیدوارم و —
 سفارش من این است که رفقای مسئول در تفهیم این مهم به

خانوادهام یاری نمایند . سفارشم به تمامی رفقای مبارز این است که مبارزه را تا حصول سوسیالیسم و مبارزه برعلیه رویزیونیسم در تمام اشکال آن ادامه دهند . مبارزه‌ای جدی علیه انحرافات اساسی جنبش مل میهنمان و مبارزه جدی بر علیه گرایش رویزیونیستی سازمان .

— پیش بسوی آگاهی و تشکل دادن پرولتاریا تا

ایجاد حزب طبقه کارگر !

— نابود باد رویزیونیسم از جنبش مل جهانی !

— بر توان باد جنبش انقلابی جهانی برعلیه

بورژوازی و رویزیونیسم (خروشچفی و سه

جهانی) !

— سلام گرم به تمامی رفقای پاك و رزمنده !

— بر افراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک !

يعقوب کسب پرست

پیکارگر شهید رحیم

تاریخ شهادت ۶۰ / ۷ / ۶

به طبقه کارگر ، به سازمان پیکار ، به همه زحمتکشان
و خلق‌های تحت ستم .

این دومین وصیتی است که می‌نویسم . چهل روز قبل، از
زمانیکه ارتجاع فاشیستی تر و هارتر از هر زمان به سرکوب
جنبش پرداخت و حتی بی‌تجربه‌ترین رفقا را بخاطر پخش -
اعلامیه ، سبانه اعدام میکرد ، اولین وصیتنامه را نوشتم ولی
اکنون که آنرا می‌خوانم قسمت اعظم آنرا قبول ندارم و نیز خیلی
ناقص است و این خود گویای تحولات و تغییرات عظیمی است
که در جامعه صورت می‌گیرد . در شرایطی که جنبش کمونیستی
به دلیل ارتداد " اکثریت " ضربه مهلکی خورده (و) به
علت نبودن قطب قوی کمونیستی ، مجاهدین بطرف لیبرال‌ها
کشیده شدند . در ادامه عقب‌نشینی از مواضع انقلابی خود
بطرف سیاستهای لیبرالی همراه با آنها عملیات و ترورهای

جدا از توده و نارسى را به جامعه تحميل کردند که بهترين فرصت را به ارتجاع حاکم برای سرکوب دشمنان خود دادند (مخصوصاً زمانیکه جنبش کمونیستی نمیتوانست بصورت نیروی بالفعل در تخییر و تحولات جامعه موثر باشد) و رژیم این عمل را به کمک بورژواهایی که در شرایط دمکراتیک در حساستریصن نقاط سازمان لانه کرده بودند ، بسیار ساده تر در شعاعی باور نکردنی انجام داده و میدهند . الان در جامعه ما بحران روز بروز در سطح و عمق وسیع تر شده و ریشه میدواند ، بطوریکه رژیم خود نیز هر روز در روزنامه هایش زیر چتر عوارض جنگ بسه کمبودها و ناتوانیهایش معترف است . و حتی خمینی با اعلام اینکه "در همه ممالک گرانی هست" نشان داد که خود سردمداران رژیم نیز با تمام تبلیغاتش چشم اندازی در مورد حل بحران ندارند . در این زمینه نیز بخاطر سرکوب شدید ، زندان و اعدام که اکثر خانواده های جامعه را در بر گرفته ، بایست تبلیغات همه جانبه را در صورت امکان (در شکل) اعتراضات و میتینگ های خیابانی (من از وضع نیروهایمان در بیرون خبری ندارم و فکر میکنم وضع در خیلی جاها مثل تبریز نباشد) در مورد قطع اعدام و آزادی زندانیان سیاسی ، سازمان داده در

سطح جنبش با دو انحراف عمده که اکنون در جامعه در حال مبارزه با سنگر ان‌الابیون یعنی کمونیست‌هاست ، باید مبارزه کرد :

۱- خط آنارشستی جدا از توده که بر ترورهای مقامات های میفشارد و این نشانگر عدم مرگ سیاسی این خط در جامعه است که بعد از قیام بخاطر شرایط ویژه جامعه موقتا کنار رفته بود . این خط باید افشا شود و در هیچ لباسی کوچکترین حمایتی نباید از آن صورت گیرد ، چرا که در درون زندان و دو طیف مختلف با رویوشهای مختلف این خط را حمایت و تبلیغ میکنند ، اول آنها که معتقد به شروع قیام‌های توده‌ای بدنبال این ترورها هستند . قیام‌های توده‌ای هیچوقت بدون زمینه سازی و کار شروع نمیشود و ترورها هم بجز به انحراف کشیدن ذهن توده‌ها خدمت دیگری نمیتواند بکند و دوم آنهایی که معتقدند ترور رژیم را (تضعیف) میکند .

۲- خط دوم ، خط آنها که زمان قیام که عقب ماندترین توده‌ها سیاسی شده بودند در شرایط دمکراتیک با انگیزه‌های ناسالم روشنفکریشان به اصطلاح خودشان وارد سیاست شدند و الان با دیدن واقعیت مبارزه طبقاتی و چهره عریض‌بازان

و بی تفاوت آن ، رنگ و رو باخته و به توبه برداختند . تزه‌ای
دوران رکود را برای خود سرود کرده‌اند و آنهم البته قسمت
عقب‌نشینی و حفظ نیرو ۰۰۰ اینها را باید افشا کرد تا به
خانه‌های خود عقب‌نشینی و نیروهایشان را برای زندگی عادی
و راحت دور از مبارزات حفظ کنند !

اکنون سازمان علاوه بر محافظت بی‌امان از خود مسدود
کردن کلیه کوره راهها که میتواند زمانی ضربه زند ، بعنوان
وظیفه اولیه باید با این مشی‌ها مبارزه کند .

اما چه محافظتی ! رفقا اکنون دو ماه هست که سازمان
در تبریز و تهران ضربات مختلفی خورده است . جریان تهران
را بخوبی نمیدانم ولی در تبریز خیانت یعقوب و به دنبالش
جمع مرکزی (د . د . تبریز) واقعا افتضاح بیار آورده شد و
آبروی سازمان را خدشه دار کرده‌اند ، این هرگز مسئله اتفاقی
یا عادی نبوده ، خیانت تمام جمع مرکزی (د . د . تبریز)
حکایت از انحرافات عمیقی در سازمان دارد . انحرافات که
در عدم ریشه‌یابی عمیق و دقیق و مبارزه ایدئولوژیک با آنها و
تصفیه و اخراج قاطع نمایندگان آن ، در نمائی جز رویزیونیسم
ندارد . رفقا کوچکترین بی‌توجهی خیانت آشکار به طبقه

کارگراست . اسد (اهل اردبیل و خائن معروف) گفته است به من کلت بدهید تا اگر بیکاری دیدم خودم بکشم اش، و بقیه گفتند که میخواهند از سازمان انتقام بگیرند . چگونسه چنین بورژواهای کثیفی در حساسترین نقاط سازمان لانس کرده بودند ، آیا جز آنکه زمینه مادی وجود داشته و آیا در صورت عدم يك مبارزه پیگیر و قاطع این جنبش خیانت‌های منحصربفرد خواهد بود ؟ بتازگی یکی دیگر را در ارومیه لوس داده و چند تائی هم از اردبیل پیدا شده‌اند . (برخی از این خائنین سابقا ، هواداران " فدائیان اکثریت " بودند که بعد هوادار سازمان شده بودند)

برای خانواده‌ام :

مادر ، پدر ، و برادران عزیزم . شما زحمات فراوانی برای من کشیده‌اید . جبران آنها هم جز از طریق ادامه راه رسالت طبقه کارگر نمیتواند باشد ، چرا که این دین بزرگ هر فرد آگاه در درجه اول به کارگران و رنجبران جامعه است . از شما میخواهم (مخصوصا از مادرم) که هرگز برای من گریه نکنید . زمانیکه هر لحظه زندگی کارگران و زحمتکشان جامعه ما برای آنها اعدام است یکبار اعدام چیزی نیست . من در این مری

چیزی را از دست نמיד هم • کمونیستها منافع فردی ندارند
کمونیستها از کارگرانند و منافع طبقه کارگر منافع آنهاست .
اگر منافع پرولتاریا تأمین شود منافع کمونیستها تأمین شده
است • من در مرگ سرخ در این شرایط جز ادامه مبارزه و جز
تأمین منافع استراتژیک پرولتاریا چیزی نمیبینم •
آری زندگی زیباست ولی باید زیباییها از آن همه کارگران
و زحمتکشان جامعه باشد ••• ترس از اعدام نشانه‌ای جز
عدم وجود یک کینه عمیق نسبت به دشمن طبقاتی چیز دیگری
نیست ، شما هم به چیزی جز این نیاندیشید • پولهای مرا هم
به سازمان من بدهید •

— زنده باد مرگ برای آزادی !

— بلشویک‌ها و زبایدچنگید ، چه کند با دل چون آتش

من ، آتش تیر !

— زنده باد مبارزه طبقه کارگر و همه زحمتکشان

ایران و جهان !

— زنده باد سازمان بیکار در راه آزادی طبقه

کارگر !

— برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

— مرگ بر ارتجاع !

رفقای دستگیر شده با خون خود و رفقای بیرون با برخورد
و مبارزه قاطع و بیولتری علیه انحرافات ، خیانت خائنین را شسته
سازمان را سر بلند خواهند کرد .

کمونیست بیکارگر رحیم

پیکارگر شهید محمد رضا بشروهی

تاریخ شهادت او آخر شهریور ۶۰

از تشکیلات تبریز

به تمامی کمونیستها و انقلابیون راه آزادی طبقه کارگر •
با اوج گیری جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای
قهرمان ایران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی روز بروز هارتر
شده و هر چه بیشتر خون کمونیستها و انقلابیون را می ریزد
تا شاید چند روزی بیشتر به حیات خود ادامه دهد ولی زهی
خیال باطل که سپیده صبح پیروزی نزدیک است •

آری رفقا کمونیستها همیشه آماده مرگ اند زیرا که
آرمانشان جز با خون سرخ زحمتکشان و انقلابیون به ثمر
نخواهد رسید • چون بین سرمایه داری و سوسیالیسم دره
عمیقی وجود دارد که باید از خاکستر انقلابیون و کمونیستها
پوشود و من به عنوان شاگرد این مکتب مرگ را بعنوان یک
شکل مبارزه قبول کردم زیرا :
" دلم از مرگ بیزار است "

ولی آندم که نیکی ویدی را گاه بیکار است

• نفرو رفتن به کام مرگ شیرین است •

• که هم بایسته آزادگی این است •

(نقل از دفاعیات رفیق شهید ترگل)

کارگران و زحمتکشان ایران ! امروز مبارزه سخت بی—
اردوی کار از یکطرف و اردوی سرمایه و ارتجاع از طرف دیگر
وجود دارد ، زمان آن رسیده که برخیزید و تمام زنجیرهای
اسارت و بردگی را از هم بگسلید و خصم دیرینه‌تان را —
زباله‌دان تاریخ بیندازید • رفقا در این مقطع از تاریخ خلق
— های قهرمان ایران ۰۰۰ باید تمامی کمونیستها و انقلابیون
تجربه‌ای سخت بدست آورند و آن اینکه هیچوقت گول لیبرالها
را نخورده و بدانند که بورژوازی هر وقت امکان سرکوب داشت ،
حتما سرکوب میکند و در این مبارزه با بورژوازی بیک تشکیلات
سخت و آهنین نیاز است و این تشکیلات جز با مِبارزه
ایدئولوژیک سخت و بی امان بر علیه هرگونه انحرافات " چپ "
و راست پایدار نخواهد ماند • وصیت من به پدر و مادر و
برادران و خواهرانم این است که بخاطر مرگ من گریه نکنند

بلکه با ادامه راهم به آرمانم جامه عمل بپوشانند . همچنین
کلیه متعلقاتم را به سازمان بیکار بدهید ، تا در راه سرخ
انقلاب به مصرف برساند .

— مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع !

— مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با

رویزیونیسم نیست !

— برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق !

— زنده باد سوسیالیسم !

بیکارگر کمونیست محمد رضا بشرواهی

۶۰ / ۶ / ۲۵ زندان تبریز

پیکارگر شهید بهروز غلامی

از تشکیلات تبریز .

با درود به کارگران و خلقهای زحمتکش و کمونیستها ، بین جامعه سرمایه داری و کمونیسم دره عمیقی است که با خاکستر ما کمونیستها پر میشود .

هوشی میسن

راه کمونیسم راهی مستقیم و ساده و راست نیست ، راهی است پرپیچ و خم با گردههای خطرناک و پرازگرگهای درنده . این راه در نهایت خود به جامعه بی طبقه و عاری از هرگونهستم طبقاتی منجر خواهد شد . من آگاهانه قدم در این راه گذاشته ام و تا آنجا که از دستم بر میآید و در توانم بود در این راه انجام دادم .

رفقا با آنکه سازمان بعد از کنگره دوم با انحرافات راست مرزبندی کرده بود ، متأسفانه این مرزبندی در عمل انجام

نگرفت و بر اثر همین انحراف لیبرالی و راست دچار ضربه نسبتاً مهمی شد . این انحراف درونی به اندازه‌ای بود که باعث ۸۰ یا ۹۰ درصد ضربه کنونی شد در صورتیکه ارتجاع با آن تشکیلات خود فقط میتوانست ده یا بیست درصد این ضربه را بزند . رفقا ما درک درستی از انضباط آهنین به معنی بلشویکی آن نداشتیم و آنرا فقط دوتئوری یاد گرفته بودیم و در عمل کاملاً آنرا انجام ندادیم و امیدوارم که بعد از این بطور کامل بتمام معنا انجام گیرد . رفقا در اینجاست در مقابل خائنین به راه طبقه کارگر روحیه رفقا از آنچنانان عظمتی برخوردار است که در مقابل آن روحیه مرگ آنچنانان ضعیف است که حرفش هم در میان نهفت و آنها را با استقامت خود ، شیرینی خیالات خائنین را برای ارتجاع زهر میکنند .

من یقین دارم که از انحرافات درس گرفته خواهد شد و در آینده از آنان به نحو احسن استفاده خواهد شد و میدانم که رفقا راه انقلاب را به مصداق سرود " یاران " ، " مشت یاران دشمنان بوزه در خاک و خون میکشد " . . . را ادامه خواهند داد .

به پدر و مادرم بگوئید که برای من گریه نکنند چرا که خون

من از دیگر رفقای شهید رنگین تر نیستم و رفقای دیگر را عین
فرزندان خود بدانید و تا آنجا که میتوانید در راه انقلاب کمک
کنید .

— برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

— زنده باد سوسیالیسم !

— مرگ بر امپریالیسم جهانی !

— درود بر شهیدان راه طبقه کارگر !

پیکارگر شهید نعمت الله مهاجرین

تاریخ شهادت او آخر مهر ۶۰

از رفقای تشکیلات تبریز .

بنام طبقه کارگر و خاقهای ستمدیده ایران و جهان و بنام
شهادتی که بخاطر رهائی خلقهای ایران جانشانرا فدا کردند
و با درود به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر .

اینجانب نعمت الله مهاجرین هرمینی در تاریخ _____

۶۰ / ۱ / ۲۹ دستگیر شدم . رژیم اطلاعات مهمی از من
نداشت و به همین دلیل مرا بصورت بلا تکلیف نگهداشته بود.
در زندان به آرمان مارکسیسم - لنینیسم وفادار ماندم و تا
آخرین لحظات عمر کوتاهم سازش نکردم . تا اینکه در اثر
خیانت خائنینی چون اسد ، یعقوب ، علی و ... (از -

مسئولین دانشجویی تبریز) مانند کف دست مرا به رژیم
شناساندند . این خائنین حتی کوچکترین اطلاع راجع به
من حتی قبل از قیام را در اختیار رژیم گذاشتند ، بطوریکه
دیگر جایی برای انکار کوچکترین مسئله باقی نمانده بود .

ارتجاع میدانست که از من نمیتواند چیزی دستگیرش شود .
به همین جهت به يك بازجوئی سرسری و پیر از گزارشات
دروغ از جانب خائنین و فالانزهای دانشگاه اکتفا کرد . در
بازجوئی، من سعی در گول زدن ارتجاع داشتم ولی از اصول
پائین نیامدم .

اینک من لحظات مرگ را انتظار میکشم و از مرگ هم بیمی
ندارم ولی وقتی بیاد انحراف سازمان می افتم که چطور چنین
خائینی خواسته اند در مواضع اصلی قرار گرفته و بهترین
فرزندان خلق را به مسلخ بفرستند بخود میلرزم . بنظر من
بخاطر وجود جو لیبرالی حاکم بر جامعه بعد از قیاسام ،
روشنفکران متزلزلی که وارد صحنه شده بودند ، بخاطر انحراف
در جنبش کمونیستی و بخصوص سازمان ما توانسته اند —
سازمان راه پیدا کرده و ارتقا یابند و حتی تا سطح رهبری
جنبش و سازمان نیز برسند و در شرایطی که ارتجاع هارتر
از همیشه تهاجمش را شروع کرد ، تزلزل آنها شکسته و به
خیانت رسید . ولی آنها افرادی نبودند که به قصد جاسوسی
وارد سازمان شده باشند بلکه این انحراف به راست حاکم بر
سازمان بود که این افراد بدون آزمون پرولتری و بدون شناخت

کامل آنها را ارتقا داد تا چنین فاجعه‌ای بیار بیارود . به قول رفیق شهید " مالک " ، " ما بورژوازی را خوب نشناختیم و با هر دو طبقه ، هم بورژوازی و هم پرولتاریا سازش کردیم . " آری نبود يك مبارزه ایدئولوژیک پرولتری چه در درون سازمان و چه در درون جنبش باعث چنین خیانت‌هایی شد . هدف من فقط انتقاد به سازمان نیست ، بلکه هشدار است به سازمان که انحراف عمده جنبش کمونیستی جهان یعنی رویزیونیسم آنرا تهدید میکند ، و نمودهای این انحراف در بعضی از مواضع سازمان از همان بیکار ۷۳ و انتقاد غیر پرولتری و غیر ریشه‌ای از آن و در این اواخر بیانیه ۱۱۰ که همگی نشانه‌هایی از این انحراف و باقی ماندن بقایای آن در سازمان است . واقعیتی است که سازمان در کنگره دوم بیک سری مواضع پرولتری و کمونیستی رسید ، ولی با انحراف قبلی نه بطور قاطع بلکه آشتی طلبانه برخورد کرد . در زمینه تشکیلات افراد نماینده جریان راست را از مواضع کلیسادی کاملا جدا نکرد و افراد متزلزل را در سطح رهبری نگهداشت و سابقه را بر سلامت ایدئولوژیک ارجحیت داد و زمینه را برای پرور و کراتیسم و اپورتونیسم باز گذاشت که افرادی از این قبیل

توانستند به مواضع حساس و کلیدی باؤگردند ، از جمله —
 یعقوب فدائی و رهبری د ۰ د تبریز که میتوان گفت در مورد
 دوم کل جمع رهبری د ۰ د تبریز به دامن ارتجاع رفت و —
 خیانتی تاریخی و فراموش نشدنی مرتکب شد ، خیانتی که
 هیچوقت جنبش کونیستی آنرا فراموش نخواهد کرد . آنها خیلی
 راحت کروکی تشکیلاتی که خودشان آنرا رهبری میکردند
 در اختیار رژیم گذاشتند و بی شرمانه در رسانه های گروهی
 ارتجاع تا توانستند بر علیه سازمان و جنبش لجن براکنی
 کردند ، حتی به این اکتفا نکرده و در زندان باند جاسوسی
 به همراه دیگر خائنین ایجاد کرده و در صدد شناسائی
 و تعقیب انقلابیون برآمدند و برای انقلابیون زندان دیگری
 در درون زندان رژیم ایجاد کردند . در جنبش کمونیستی و
 انقلابی قبل از قیام نیز چنین تجربیات تلخی وجود دارد .
 در حزب بلشویک نیز چنین تجربه ای وجود داشته است ، ولی
 ما از این تجربیات درس آموزی نکردیم و فقط آنها را
 اندوختیم .

رفقا ! اینها تجربیات تلخی است که به قیمت خون دهنها
 تن از بهترین عاشقان پرولتاریا که در سنگر سازمان مبارزه

میکردند ، بدست آمده ، نگذارید دوباره چنین افرادی به سازمان راه یابند . نگذارید چنین افرادی به مواضع حساس و رهبری برسند . با مبارزه ایدئولوژیک پرولتری و پیگیر این افراد را شناخته و از سازمان طرد کنیم ، و بقول معروف "نگذارید بورژوازی جشن دیگری برپا کند" . خون ما خیانت این خائنین را خواهد شست .

در مبارزه ایدئولوژیک بی رحم و بدون گذشت باشید و اگر به انحرافی بودن موضعی می برید با انتقاد ریشه ای و قاطع در سطح جنبش اعلام کنید . به پایگاه طبقاتی افراد توجه کنید . به کار در میان طبقه کارگر بیشتر اهمیت بدهید . چون طبقه اصلی پیشرو جامعه بوده و در غیر این صورت بدون پایگاه پرولتری ، کمونیستها هیچوقت به پیروزی نخواهند رسید و این به معنی رد کار توده ای و جنبش دمکراتیک و توده ای — نیست . امروز جامعه ما در حالت حساسی بسر میبرد . از یکسو پراکندگی موجود در سطح جنبش و از سوی دیگر به علت نبود رهبری پرولتری ، وحدت مجاهدین با لیبرالها — و بالاخره عملیات مسلحانه جدا از توده توسط مجاهدین — وضع را حساستر کرده است . روشن است که هر حکومتی در

ایران بدون رهبری طبقه کارگر روی کار بیاید ، انقلابی نخواهد بود بلکه يك حکومت بورژوازی است . حال وظیفه ما چیست ؟ فقط با محکوم کردن حرکات مجاهدین کمکی به جنبش نمی‌رسانیم . در حال حاضر کل جنبش کمونیستی از جمله سازمان ما باید با پاسیفیسم مرزبندی کند ، و خط مشی و تاکتیک انقلابی را در جنبش مطرح نماید . این رژیم ناتوان از حکومت خواهد بود ، و این یورشهای فاشیستی ، مقطعی و کوتاه مدت خواهد بود . اعتراض توده‌ها ارزه بر پیکر ارتجاع خواهد انداخت ولی اینها بخودی خود سریع صورت نخواهد گرفت و احتیاج به کار فعال در بین طبقه و توده‌ها ، بسته به شرایط مشخص و شیوه‌های مختلف و شرکت فعال در سازماندهی و رهبری آنها خواهد داشت . در غیر این صورت اگر رژیم بتواند موفق به سرکوب انقلاب شود ، برای دورانی دیگر مردم ایران زیر سلطه ارتجاع مانده و تاریخ تکرار خواهد شد .

من در این مبارزه جانم را بعنوان يك هدیه . ناچیز تقدیم انقلاب میکنم و افتخار میکنم که در راه آرمان طبقه کارگر و بسا عشق به طبقه کارگر و کینه به رویزیونیسم و ارتجاع جانم را فدا میکنم . وصیت من به تمامی رفقا و کمونیستهای راستین این است

که هرگز در اصول سازش نکرده و به آرمانشان وفادار باشند.
افسوس که زنده نمی‌مانم تا مدت بیشتری در کنار شما رفقا به
مبارزه ادامه دهم .

در خاتمه به پدر و مادرم که برای من زحمات زیادی کشیده
اند و مرتجعین آنها را بخاطر من مورد اذیت و آزار قرار
داده‌اند درود می‌فرستم و می‌خواهم به راهی که من انتخاب
کردم فکر کنند و برایم اشک نریزند چونکه من آگاهانه در این
راه قدم گذاشتم . افتخار کنید که فرزندتان در راه آزادی -
طبقه کارگر و خلقهای زحمتکش و فرزندان خردسال محرومان
جامعه جانش را فدا کرد . تمام شهدای جنبش کمونیستی
و انقلابی فرزندانتان خواهند بود .

به برادران و خواهرانم سلام دارم و از آنها می‌خواهم که
راه را ادامه داده و به فرزندانشان - این انقلابیون آینده
راه مرا بیاموزند . از برادر کوچکم که خیلی دوست داشتم او
را ببینم مواظبت کنید . ارتجاع بداند که ریختن خون
بهترین فرزندان خلق نمیتواند جلوی طوفان انقلاب را که
طوهار آنها را در هم خواهد پیچید ، بگیرد . این را تاریخ
تمام جنبشهای جهان ثابت کرده است . در پایان اعلام

میدارم که قاتل اصلی من و دیگر رفقای شهید همین خائنین
هستند که برش مردم و از رفقا مجازات انقلابی آنها را خواهانم .

— مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی !

— زنده باد آزادی !

— زنده باد سوسیالیسم !

— زنده باد کمونیسم !

• با دروهای کمونیستی. به تمامی رفقا .

نعمت مهاجرین

۶۰/۷/۲۴

تیر دشمن می درد تن ،
می کشد گرد ما او حصار ،
بند و زندان ، تیر و میدان ،
باشد این رسم سرمایه دار ،
مشت یاران ، دشمنان را ،
پوزه در خاک و خون می کشد . . .

پیکارگر شهید شهریار رسولی

به سازمان به تمامی کمونیستها و مبارزین راه رهایی
زحمتکشان .

از آن هنگام که قدم در این مسیر نهادم و سلاح
مارکسیسم - لنینیسم را بعنوان برنده‌ترین و تنها سلاح راه
رهائی قطعی زحمتکشان از قید بندگی و استثمار یافتیم
(معتقدم که) " بین جامعه سرمایه‌داری و کمونیسم
دره عمیقی وجود دارد که با خاکستر کمونیستها باید پر شود."
(هوشی‌مین)

چیزی که در این لحظه ایمان و اعتقاد مرا صد چندان
کرده است و استواری و صلابت مرا برای پذیرش این لحظه
پرافتخار صد چندان افزوده است ، عمق یابی و گسترش جنبش
انقلابی و کمونیستی است که به وضوح نمایان می‌باشد
و دورنمای روشن و آینده‌پرو را برای رهائی زحمتکشان از قید
بردگی مزدوری نشان می‌دهد . اگرچه چندان محتمل نیست

ولی من آرزو داشتم قبل از مرگ چند صباحی از پیروزی خلق
زحمتکش را به چشم خود ببینم . طی چند ماه اخیر صدها تن
از بهترین فرزندان خلق را به اتهامات واهی و بوج و فسط
بخطا طرفدای از منافع زحمتکشان به جوخه های اعدام سپرده اند
این است ماهیت رژیم سرمایه داری ، آنگاه که بخواهد برای
امریالیسم خوش رقصی کند و با اصطلاح ثبات و امنیت برای سرمایه
را به رخ امریالیستها بکشد و ماهیت کثیف و ارتجاعی اش را هر
چه بیشتر بنمایاند و اکنون من نیز با قلبی پر امید (امید به
پیروزی قطعی زحمتکشان بر ظلم و ستم سرمایه داری) و با
عزمی استوار آماده پذیرش گلوله های سربین دشمن دژخیم
میباشم . بگذار بوزواری ژاژخانی (یاوه سرانی) کند .
بگذار صدها هزارها از کمونیستها و فرزندان خلق را اعدام
کنند ، سرانجام پیروزی از آن زحمتکشان است . تاریخ مبارزات
خلق ها این حقیقت را بارها و بارها به اثبات رسانده است .

— مرگ بر امریالیسم !

— مرگ بر رژیم سرمایه داری !

— برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

فرزند خلق شهیدار رسولی

به پدر، مادر، برادران و خواهرانم .
من از شما چیزی نمیخواهم ، جز اینکه راهم را ادامه دهید
خود بهتر از هر کس دیگر سیر زندگانی مرا میدانید و میدانید
که من در تمام طول زندگی کوتاهم چه از قبل از شروع زندگی
مبارزاتی و بصورت غریزی و چه بعد از شروع زندگی مبارزاتی و
بصورت آگاهانه همیشه حامی منافع زحمتکشان بودم و در این
راه مبارزه کردم و هیچگاه قدمی به پس برداشتم . پسرانم
را ادامه دهید .

این را نیز بدانید که بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی هیچ
مدرکی از من دال بر اقدام تروریستی و اقداماتی نظیر ~~بصورت~~
آن ندارد و تنها جرم من و تنها گناه من دفاع از منافع
زحمتکشان است .

فرزند شما و خلق شهریار رسولی

بیکارگر شهید کامران دانشخواه

تاریخ شهادت مرداد ۶۰

از رفقای د. د. ارومیه که در همانجا دستگیر شده بود .
"خون ما پیراهن کارگران ،
خون ما پیراهن دهقانان ،
خون ما پیراهن سربازان ،
خون ما پرچم خاک ماست ."

رفیق شهید خسرو گل سرخس

با درودهای بی پایان به تمامی رزمندگان کمونیست
وشهیدانی که در راه آزادی طبقه کارگر جان باختند . من
بعنوان یک مارکسیست - لنینیست و هوادار سازمان بیکار در
راه آزادی طبقه کارگر ، تمامی آنچه که در توان خود بعنوان
یک روشنفکر کمونیست داشتم ، در راه مبارزه با امپریالیسم
و ارتجاع بکار گرفتم و در این راه جز عشق به آرمان والای طبقه
کارگر و جز عشق به زحمتکشان ، (چیزی) مشوق من نبوده
است . در این دوران کوتاه مبارزه زندگی را آموختم

و آموختم که چگونه زحمتکشان را دوست بدارم و چگونه از دشمنانشان نفرت داشته باشم و بالاخره آموختم که چگونه بمیرم .
مرگ چندان فاصله‌ای با من ندارد ولی سرپلند و با افتخار به پیشوازش بروم ، زیرا که میدانم از مرگ ماست که فردای سبزه سوسیالیسم برمیخیزد و چه باشکوه است چنین مرگی !

از تمامی رفقای مبارز و دلیرم میخواهم که در مقابل سختیها سرفرود نیاورند و مبارزه را پیگیر و متحد به پیش ببرند و در این راه لحظه‌ای سازش و تردید بخود راه ندهند ، و از آنها میخواهم که به سازمان عشق بورزند و همیشه از آن چون دژی بر علیه سرمایه‌داری محافظت کنند و بالاخره میخواهم که هرگز حتی برای يك لحظه از رویزیونیسم غافل نباشند .

از پدر و مادر و برادران و خواهرم میخواهم که در مرگ من نگریند زیرا که من با تمامی وجودم خواهان چنین مرگی بودم و اینک به آن دست یافته‌ام .

— مرگ بر امیرالیسم و ارتجاع !

— برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق !

— زنده باد سوسیالیسم !

کامران دانش‌خواه ۶۰/۵/۱۸

پیکارگر شهید داود ثروتیان

از رفقای تشکیلات تبریز دانشجوی سابق دانشگاه ارومیه •
رفقا ! همه ناظریم که انقلاب چقدر رشد کرده ، مبارزه طبقاتی رشد کرده است • مبارزه پراکنده نیروی ما را تضعیف میکند ، پس با تمام توان خود پایه‌های آن حزب رزمنده خود را سی ریزیم و مبارزه را تحت رهبری ستاد رزمنده کارگران تا پیروزی انقلاب و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم به پیش ببریم •

— زنده باد سوسیالیسم !

— زنده باد انقلاب !

— درود بر رزمندگان کمونیست و کارگران انقلابی

و دیگر انقلابیون !

— بین امپریالیسم و کمونیسم دره عمیقی است که

باید با خاکستر ما پر گردد !

داود ثروتیان

پیکارگر شهید خیرالله حسینی

تاریخ شهادت مرداد ۶۰

از رفقای محلات تشکیلات تبریز

• به کایه رفقا و کمونیستهای راستین و انقلابی

در این شرایط که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همه روزه
دهها تن از نیروهای کمونیستی و انقلابی را بخاک و خون
میکشد و خون جوانان انقلابی از چنگ رژیم ارتجاعی میکشد
و در این شرایط که رژیم از هر طرف به انقلاب یورش آورد، است
از کلیه رفقا و انقلابیون میخواهم که راه سرخ رفقای شهید را تا
برقراری سوسیالیسم و کمونیسم ادامه دهند و حتی يك لحظه
از فکر مبارزه غافل نباشند •

به پدر و مادر و برادران و خواهرانم بگوئید که گریه نکنند
و همیشه مرگ، سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح دهند • من
همه چیز خود را وقف سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
میکم و امید دارم که انقلاب سرخمان هر چه زودتر پیروز شود و
خلق ستمکشمان روی آزادی را ببیند •
افسوس که زنده نماندم تا بیشتر به مبارزه در راه آزادی —

خلقمان و در راه آزادی و برقراری سوسیالیسم و کمونیسم ادامه
دهم ولی میدانم که رفقای انقلابی و کمونیست این راه را ادامه
خواهند داد . رفقا تا پیروزی نهائی مبارزه کنیم .
— برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

خیرالله حسینی ۶۰ / ۵ / ۱۸

پیکارگر شهید حسن منصوری

تاریخ شهادت ۶۰/۵/۱۹

دانشجوی دانشگاه ارومیه و از دانشجویان نام تشکیلاتی

کامران .

" بین سرمایه داری و کمونیسم دره عمیقی وجود دارد که

با خاکستر ما کمونیستها پر خواهد شد . "

رفیق هوشی مین

کارگران و زحمتکشان ایران ! هم اکنون شاهدیم که

رژیم جمهوری اسلامی با درندگی هر چه قمارتر به اع—دام

انقلابیون و توده های زحمتکش مشغول است . رژیم که

در واقع میوه چنین جانبازها و قهرمانیهای شما میباشد

رژیمی که بعد از قیام خونین ۲۲ بهمن سلاحی را که شما

بدست داشتید و بطرف سرمایه داری وابسته نشانه میرفتید

از دستتان گرفت و راه سازش را در پیش گرفت . رژیم که

برای حفظ سرمایه داری و پاسداری از آن به شیوه های مختلف

از جمله نیرنگ و سرکوب آشکار کوشید . اما جمله معروفی

است که میگوید تا ظلم هست مبارزه هم هست . بعد از قیام
خونین ، ریشه های مادی این ظلم از بین نرفت . مبارزه توده
ها هم ادامه یافت ، مبارزه ای که سرانجام بحاکمیت توده ها
به رهبری طبقه کارگر خواهد انجامید و این حقیقتا مسیر تاریخ
جوامع می باشد . سرانجام طبقه کارگر و زحمتکشان به پیروزی
دست خواهند یافت و جامعه سعادت مند خود ، سوسیالیسم
و کمونیسم را خواهند ساخت . اما این کار آسان نیست .
برای تحقق این امر باید خونها جاری شود و انقلابیون باید
اعدام گردند به همین خاطر هم اعدام ما بدست رژیم
جمهوری اسلامی امری طبیعی است و ما با افتخار به استقبال
چنین مرگ سرخی میرویم . کشته شدن در راه طبقه کارگر
واقعا که افتخار است . من به خانواده ام ، به مادر ، به پدر ،
به خواهرانم و به برادر کوچکم و همه فامیلم سلام دارم و از همه
آنها میخواهم نه تنها از مرگ من بلکه از مرگ هیچکس
از انقلابیون ناراحت نباشند و سرافراز و سربلند باشند .
من به تمام رفقایم توصیه میکنم که راه طبقه کارگر را با سرسختی
هر چه تمامتر ادامه دهند . (البته ایمان دارم که آنها
نیز چنین خواهند کرد)

— برقرار باد جمهوری ديمکراتيک خلق !

— زنده باد سوسيالیسم !

— زنده باد کمونیسم !

حسن منصورى ۱۸ / ۵ / ۶۰

بیاد رفیق مالک

(سروده رفیق ن. م. ه.) زندان تبریز

چه شکوهمند است ،
بدرقه رفقای کمونیست ،
بسوی بیدادگاه رژیم ،
رفقائی که با اراده آهنین و با قامتی استوار ،
با قلبی سرشار از عشق ،
عشق به طبقه کارگر و زحمتکشان ،
با لبی خندان ،
و با شعار زنده باد کمونیسم ،
زنده باد سوسیالیسم ،
و با امید به آینده ،
بسوی بیدادگاهها میروند ،
ارتجاع دشمنان طبقاتش را شناخته ،
و تاب دیدنشان را ندارد ،
همز از این روست که ،
حکمشان " اعدام " میدهد ،

ولحظاتی بعد ،
رگبار مسلسل‌های آمریکائی می‌درد ،
قلب فرزندانش خلق را ،
و فریاد زنده باد آزادی آنان ،
در میان گلوله‌ها خاموش می‌شود ،
و ما با سکوتی خشمگین ،
و دلی پراز کینه به ارتجاع ،
به امید فردا ،
در انتظار شبهای دیگر ،
و حماسه آفرینی رفقای دیگر هستیم ،

۶۰/۷/۲۳

زندان تبریز ۰م۰ هـ

پیکارگر شهید ناصر روز پیکر

تاریخ شهادت او آخر شهریور ۶۰

از رفقای تشکیلات تبریز .

" مرگ خیلی آسان میتواند الان بسراغ من بیاید

و من تا میتوانم زندگی کنم ، نباید به پیشواز مرگ بروم .

البته اگر يك روز با مرگ روبرو شدم که میشوم مهم نیست ،

مهم این است که زندگی یا مرگ من چه اثری بر روی زندگی

دیگران داشته باشد "

(رفیق صمد بهرنگ)

صمد بهرنگ از پیشروان جنبش کمونیستی ایران که با

نوشته‌های ساده و صمیمی اش معلم بسیاری از جوانان میهن و

از جمله من بوده است .

رزمندگان کمونیست و انقلابیون !

کارگران و زحمتکشان مبارز !

خوشحال و دلشادم از اینکه سربلند و ایستاده میمیرم و

خون سرخ من چون قطره‌ای از دریای بیکران هزاران شهید
انقلاب سرخمان ، نهال انقلاب را بارورتر میسازد و تنها
ناراحتی عمده‌ام این است که در راه آرمان ، رهائی طبقه
کارگر و کلا رنجبران جامعه و در راه جامعه ولای کمونیستی
مبارزه اندکی نموده‌ام و نتوانستم با درکی عمیق‌تر از ۱۰ ل بهره
بیشتری داشته باشم .

رفقا ! سفارش من این است که با استفاده از سلاح برنده
سازش‌ناپذیر ۱۰ ل توده‌های کارگر و رنجبران را آگاه نموده و
در این راه از همان ابتدا با ایجاد تشکیلات پیولادیستیک
کمونیستی بدون هیچ سازشی با بورژوازی بخصوص نحوه
رویزونیسم (خروشچی و سه جهانی) مبارزه طولانی به
پیش ببریم . تذکر می‌دهم که بیشتر ضرباتی که هم اکنون
از ارتجاع حاکم می‌خوریم ، ناشی از ضعف تشکیلاتی و لیبرالیسم
موجود در تشکیلات است ، بخصوص که خائنین عمدتاً از رده بالا
بوده‌اند . اکنون دیگر ما تجربیات انقلابات شرقی (۴) هم
چون انقلاب روسیه را بهت سرگذاشته‌ایم و با توجه به گذشت
زمان و حرکت تاریخ تشکیلات ما باید بسیا ر قوی‌تر و ظرفیتر
از تشکیلات کمونیستی پیشین باشد .

رفقا ! رزمندگان کمونیست و انقلابیون ! در راه انقلاب
دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر ، در راه سوسیالیسم و کمونیسم
به پیش !

— مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع !

— پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر (حزب

کمونیست ایران) !

— هر چه مستحکم تر باد سازمان بیکار در راه آزادی

طبقه کارگر !

۶۰ / ۶ / ۳۰

ناصر روزبیکر

شهر زیر توسط رفیق ناصر روزبیکر در تاریخ ۲ / ۴ / ۶۰ در

زندان تبریز سروده شد :

هم اینک لحظات مرگ را انتظار می کشم ،

با خائنین ،

قاتلانم ،

قاتلان من و دیگر رفقای قهرمان شهید هم بندم ،

با هر نگاه ، با تمام خیانت‌هایشان ،

تمام وقایع و جریانات گذشته ،

تمام ادعاهای بیج آنها ،

تمام راست رویهای سازمان ،

رفقائی که قهرمانانه جان باختند ،

و تمام رفقائی که اینک ،

در بیرون با ارتجاع در ستیزند ،

بصورت داستانی ۰۰۰ ،

بیراز خشم و نفرت ، بیراز کینه و بیراز امید ،

خشم و نفرت به خائنین ،

کینه به ارتجاع ، و امید به رفقا و آینده ،

از نظرم میگذرد ،

در يك لحظه ميخواهم فرياد بکشم ،
و با تعامی خشم بر سرشان بگويم ،
ولی افسوس

من فرياد را به کينه بدل ميکنم ،
و در دل هر کينه‌ام جای ميدهم ،
کينه من طبقاتی است ،
کينه طبقه کارگر به سرمايه‌داری ،
.....

و روزی آتش اين کينه ،
طومار رژيم سرمايه‌داری ،
و تمام مزدورانش را ،
در هم خواهد پيچيد ، .

شنبه شب ۶۰/۸/۹

شعر زهر توسط رفیق ناصر روزیکر در زندان تبریز سروده شده است .

گرچه فالخیز آل بایراق	برجم سخن برافراشته میشود ،
عصیانچی خالقین صفی	صف طغیانگر توده ،
ایشنچیلر اونون قطبی	بیشاپیش همه ، طبقه کارگر
کسکین قلیچ کیمی	همچون تیغ بران
ماراجا الیر قارابولوقلارین اویره کین	قلب ابرهای تیره را می شکافند
سسلینیر	می فرد
جانا گلمیک هارای	آی ! بجان آمدیم :
بوقد ر زورد مک	از چنین زورگویی
با هالیق	کرانی
آزلیق ، بشکارلیق	گرسنگی ، بیکاری
نه وقتا جان ؟	تا کی ؟
بس دور ، داهی ییخ صبریمیز	بمراست! دیگر صبری نمانده
داهی ییخ طاقت	نه دیگر طاقتی !
تیتیره ایر سرما یا نظامین بینوره سی	بنیان نظام سرمایه می لرزد
ال اوزالدیر سیخیر دشمنین بوجنون*	گدوی دشمن را در چنگال خود می نشاورد
زحمتکش خلقیمیز هالیبیر !	زحمتکشان می خروشدند !
چورک ، یورد ، آزادلیق	" نان ، مسکن ، آزادی "
محوا ولسون ارتجاع	ناپود باد ارتجاع
باشاسین ایشچیلر	زنده باد طبقه کارگر
زورد مک ، آزلیق	زورگویی ، گرسنگی
سرمایه دار قانونی	قانون سرمایه دار
کمونپستلرین اعلامیه لری	نشریات کمونیستی
ایشیق ساجاق ، آگاه لیق اولد وزلاری	اختران آگاهی روشنی می بخشند

خلق او خوبور ، آیدین اولر فیکرین
کزیر بیربیر ایشچیلرین التده
گوزل نقشه چکیرلر
لرزه دوشور ارتجاع اندامینا
وار زوریله خالقی باغلییر گوللیه
ایستیرکی سثلین قولون باغلیه
اما مگر سثلین قابانی توتولار
بوسثل ایشچیلرین زور دور
اونون قولی زحمتکنلر قولودور
هرنه قدر قان توکجه جاق قوی توکسون
هرنه قدر زور دراجاق قوی روسون
ملیونلار لاله بویلایز چوللرده
آل بایراتین رنگی قیزاریر عالمد

خلق می خواند و آگاه می شوند
دست بدست کارگران می گردد
طرحهای جالبی می ریزند
لرزه بر اندام ارتجاع می افتد
با تمام قدرت ، مردم را به گلوله می بندد
میخواهد که جلوی سیل را بگیرد
اما مگر سیل را میتوان مهار کرد
این سیل ، قدرت کارگران است
و نیروی آن نیروی زحمتکشان
بگذار هر قدر که می تواند خون بریزد
بگذار هر کاری میتواند ، بکند
ملیونها لاله در صحراها می رویند
ورنگ سخی برچم عالمگیر می شود

ناصر روزنیکر ۶۰ / ۱ / ۲۰

زندان تبریز

اتحادیه های دانشجویان ایرانی در خارج از کشور
هوادار سازمان پیکار